آموزش ۵۰۴ واژه ضروری زبان انگلیسی

درس پنجم

koobdar.ir



توضیح درس پنجم:

- ✓ دوازده واژه اصلی ۵۰۴ به همراه تصاویر و تلفظ نوشتاری
 - 🗸 ۳۶ جمله متعلق به خود ۵۰۴ (سه مثال برای هر واژه)
- ✓ ۱۸ مثال تکمیلی برای تفسیر همه حالت ها و کاربردهای هر واژه

1 - Tradition	4 - Campus	7 - Explore	10 - Evade
2 - Rural	5 - Majority	8 - Topic	11 - Probe
3 - Burden	6 - Assemble	9 - Debate	12 - Reform





اسم

۱: روش فکر کردن، رفتار کردن یا انجام دادن کاری که توسط گروهی از مردم یا افراد خانواده یا در یک جامعه برای مدتی طولانی رسم بوده است: رسم، سنت، اعتقاد

an ancient/old tradition	رسمی کھن/قدیمی

The father tried to persuade his son that the tradition of پدر سعی کرد تا پسر خود را قانع کند که سنت مهم است.

As time goes on, we will eliminate traditions that are در گذر زمان، ما رسوماتی که بی معنی هستند را حذف meaningless.

مذاهب گوناگون، اعتقادات و رسومات متفاوتی دارند. All religions have different beliefs and traditions.

ویژگی های یک چیز مربوط به گذشته را داشتن be) in the tradition of somebody/something)

This is a poem in the tradition of Hafez Shirazi.

این شعر ویژگی های (اشعار) حافظ شیرازی را دارد. (شعری به سبک حافظ است)

🕞 2 - Rural /ˈrʊrəl/



صفت:

۱: روستایی، رعیتی

rural areas مناطق روستایی مناطق مناطق مناطق مناطق مناطق روستایی مناطق م

Rural areas are not densely populated.

مناطق روستایی از نظر جمعیت متراکم نیستند.

زندگی روستایی نسبت به زندگی شهری بسیار آرامش بخش تر شهری بسیار آرامش بخش تر one.

Tomatoes are less expensive at the rural farm stand. ... گوجه فرنگی در قسمت کشاورزی روستایی ارزان تر است.

3 - Burden /'baxrdn/



اسم:

۱: وظیفه، مسئولیت و ... که تلاش، سختی و اضطراب زیادی به همراه دارد.

I don't want to become a burden to my children when I'm من نمی خواهم هنگام پیری باری روی بچه های خودم old.

تقسیم کردن مسئولیت تقسیم کردن مسئولیت

The burden of the country's safety is in the hands of the president.

مسئولیت امنیت کشور در دستان رئیس جمهور است.

Ricky carried the burden throughout his college career.

ریکی در طول دوره دانشگاهش بار مسئولیت را به دوش کشید.

۲: باری سنگین که برای حمل کردن سخت است.

Irma found the enormous box too much of a burden.

ایرما فهمید که آن جعبه عظیم برای حمل کردن بسیار سنگین است.

beast of burden حیوانی که کارهای سخت را انجام میدهد - beast of burden shoulders/back باری را از روی شانه ها/کمر خود برداشتن

فعل:

(burdens; burdened; burdening)

۱: (burden somebody/yourself (with something): دادن وظیفه، مسئولیت و.. سنگین به کسی که انجام آن بسیار

سخت است: تحمیل کردن

I don't want to burden you with my worries.

من نمی خواهم نگرانی خود را به تو تحمیل کنم.

۲: حمل کردن چیزی سنگین

4 - Campus /'kæmpəs/



اسم:

۱: ساختمان دانشگاه و محوطه اطراف آن: کمپ دانشگاه

The campus was designed to utilize all of the college's buildings.

کمپ دانشگاه برای استفاده همه ساختمان های دانشگاه طراحی شده بود.

Jeff moved off campus when he decided it was cheaper to live at home.

جف وقتی به این نتیجه رسید که زندگی در خانه ارزان تر است کمپ دانشگاه را ترک کرد.

I chose to go to Penn State because it has a beautiful campus.

من تصمیم گرفتم به ایالت پِن بروم چون محوطهِ دانشگاهِ زیبایی دارد.



۱: گروه بزرگی از مردم یا چیزهای دیگر: اکثریت

a majority decision تصميم اكثريت

در حرفه پرستاری، زنان اکثریت را تشکیل می دهند. In the nursing profession, woman are in a/the majority.

A majority of votes was needed for the bill to pass.

برای تصویب آن طرح اکثریت آرا نیاز بود.

The majority of people prefer to pay wholesale prices for meat.

اکثر مردم ترجیح می دهند قیمت عمده فروشی را برای گوشت يرداخت كنند.

In some countries, the government does not speak for the majority of the people.

در برخی از کشورها دولت از جانب اکثر مردم حرف نمی زند.

minority



6 - Assemble /əˈsembl/



فعل:

(assembles; assembled; asssembling)

۱: سرهم کردن به شکل یک گروه: جمع کردن مردم یا چیزهای دیگر به شکل یک گروه

The rioters assembled outside the White House.

معترضین بیرون کاخ سفید جمع شدند.

All the people who had assembled for the picnic vanished when the rain began to fall.

تمام مردمی که برای تفریح کنار هم جمع شده بودند بعد از شروع بارش باران غیب شدند (به سرعت رفتند.)

I am going to assemble a model of a spacecraft.

من می خواهم مدلی از یک سفیفه فضایی را گردآوری کنم.

7 - Explore /ɪkˈsplɔːr/



(explores; explored; exploring)

۱: گشتن حول یک منطقه برای یادگیری چیزی

companies exploring for oil

شرکت هایی که در جستجوی نفت هستند

۲: آزمایش کردن چیزی به صورت دقیق با هدف درک بیشتر از آن

Sara wanted to know if all of the methods for solving the problem had been explored. سارا می خواست تا بداند که آیا همه روش ها برای حل مشکل آزمایش شده است یا نه.

Lawyer Spence explored the essential reasons for the crime.

وکیل اسپنس دلایل لازم برای جنایت را جستجو کرد.

The weather bureau explored the effects of the rainy weather.

سازمان هواشناسی تاثیرات هوای بارانی را مورد آزمایش قرار داد.

analyze

مترادف:

۳: حس کردن چیزی با دست یا سایر اعضای بدن

She explored the sands with her toes.

او ماسه ها را با انگشتان خود حس کرد.





١: موضوعي كه شما درباره آن مي نويسيد يا مي خوانيد يا فكر مي كنيد: عنوان

Predicting the weather is our favorite topic of conversation.

پیش بینی وضع هوا عنوان مورد علاقه ما برای بحث

The speaker's main topic was how to eliminate

hunger in this world.

موضوع اصلی سخنرانان این بود که چطور گرسنگی را در جهان حذف كنند.

Valerie only discussed topics that she knew

well.

والري تنها در خصوص عناويني که به خوبي مي دانست بحث

اصطلاحات:

۱: off topic (نامناسب یا غیر مرتبط با موقعیت)

That comment is completely off topic.

آن نظر كاملاً غير مرتبط با موضوع است.

on topic :۲ (مناسب و مرتبط با موقعیت)

Let's get back on topic.

بیایید به موضوع اصلی برگردیم.





2 → Pebate /dɪˈbeɪt/



The debate between the two candidates was heated.

مناظره بین دو کاندید گرم شد.

Instead of shrieking at each other, the students decided to have a debate on the topic.

به جای داد و فریاد، دانش آموزان تصمیم گرفتند که روی موضوع مناظره داشته باشند.

Debate in the U.S. Senate lasted for five days.

مناظره در سنای آمریکا ۵ روز به طول انجامید.

a matter of debate یا open to debate چیزی که افراد یا مردم درباره آن اختلاف نظر دارند

The accuracy of the report is open to debate.

در صحت این گزارش اختلاف نظر وجود دارد.

فعل:

(debates; debated; debating)

١: مناظره كردن

10 - Evade /I'veId/



فعل:

(evades; evaded; evading)

۱: فرار کردن، طفره رفتن

او سعی دارد تا از همه مسئولیت رفتارش طفره رود. . . . She is trying to evade all responsibility for her behavior

جوآن سعی کرد با تغییر موضوع از آن سرفصل طفره رود. ... Juan tried to evade the topic by changing the subject.

In order to evade the police dragnet, Ernie grew a beard.

ارنی با هدف فرار از تله پلیس، ریش گذاشت.

آن اسیر جنگ با تظاهر به مریضی از بازجویی فرار sick.

11 - Probe /proob/



فعل:

(probes; probed; probing)

۱: سوال پرسیدن و تحقیق کرن با هدف فهمیدن راز یا اطلاعات مخفی درباره کسی یا چیزی

After probing the scientist's theory, we proved it بعد از تحقیق در مورد تئوری آن دانشمند، ما ثابت کردیم که was correct.

۲: لمس کردن، آزمایش کردن یا نگاه کردن چیزی به خصوص با استفاده از ابزاری بزرگ و نازک

دکتر، جراحت را برای یافتن نشانی از عفونت بررسی کرد. . . The doctor probed the wound for signs of infection.

آن وکیل ذهن آن مرد را مورد پرسش قرار داد تا ببیند که آیا بی was innocent.

King Henry's actions were carefully probed by the noblemen.

اقدامات شاه هنری به دقت توسط شاهزاه بررسی می

investigate

مترادف:

اسم

۱: تحقیقی دقیق در مورد چیزی

۲: وسیله ای بزرگ که دکتر از آن برای آزمایش و بررسی بدن استفاده می کند.

12 - Reform /rɪˈfɔːrm/



فعل:

(reforms; reformed; reforming)

۱: ارتقاء دادن یک سیستم، یک سازمان، یک قانون و ... با تغییر دادن آن: اصلاح کردن

Only laws that force companies to reform will clear the dangerous vapors from our air.

تنها قوانینی که شرکت ها را مجبور به ارتقاء می کنند، خواهند توانست تا بخارهای خطرناک را از هوای ما پاک کنند.

He has promised to reform.

او قول داده است تا (رفتار) خود را ارتقاء دهد (با تغییر، رفتار خود را بهتر کند).

بعد از شورش زندان، شورا تصمیم گرفت تا سیستم ادب correctional system.

Rad reformed when he saw that breaking the law was برد وقتی دید قانون شکنی، غیر از خود به بقیه مردم hurting people other than himself.

اسم

the reform of the educational system

ارتقاء سيستم آموزشي

منابع:

- 1 Merriam-Webster
- 2 504 Absolutely Essential Words
- 3 OALD
- 4 Cambridge Dictionary
- 5 Longman Dictionary

تمامی حقوق مادی و معنوی مطالب و آموزش های موجود در وب سایت متعلق به کوبدار است.